

## اخبار و گزارش های کارگری 31 تیرماه 1402

- پنجمین روز اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه فولاد پارس هفت تپه نسبت به سطح پایین حقوق منجمله عدم همسان سازی حقوق و اجرانشدن طرح طبقه بندی مشاغل و شرایط سخت کاری

- تصویری از کار در جهنمی به اسم عسلویه

- ادامه اعتراضات متقاضیان مسکن تعاونی خبازان ساوه نسبت به بلاتکلیفی با تجمع خانوادگی در محل احداث پروژه

- اعتراض رسمی انجمن های روانشناسی و روانپزشکی به محسنی اژه ای

- درد مشترک، درمان مشترک!

در پشتیبانی از خواست آزادی معلمان دربند و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی و ضرورت عمل مشترک نیروهای پیشرو برای مبارزات آینده!

- تداوم فشار علیه فعالین صنفی معلمان

- از آموزگارم صمد آموختم "راه که بیفتم ترسم می ریزد".

- سرکوب تشکل های دانشجویی

- سنگ اندازی در تشکیل شوراهای صنفی

[گزارشی از مانع تراشی ها در روند برگزاری انتخابات شورای صنفی دانشگاه چمران اهواز]

- آمادگی دانشگاه برای میزبانی از نیروهای حشدالشعبی؟

- جان باختن یک کارگر مقنی در مشهد بر اثر گاز گرفتگی

- جان باختن یک کارگر در قم سقوط از ارتفاع

\*\*\*\*\*

\*پنجمین روز اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه فولاد پارس هفت تپه نسبت به سطح پایین حقوق منجمله عدم همسان سازی حقوق و اجرانشدن طرح طبقه بندی مشاغل و شرایط سخت کاری

روزشنبه 31 تیر برای پنجمین روز متوالی، کارگران کارخانه فولاد پارس هفت تپه به اعتصاب و تجمعشان در اعتراض به سطح پایین حقوق منجمله عدم همسان سازی حقوق و اجرانشدن طرح طبقه بندی مشاغل و شرایط سخت کاری، ادامه دادند.

در همین رابطه: اعتصاب و تجمع کارگران کارخانه فولاد پارس هفت تپه نسبت به سطح پایین حقوق منجمله عدم همسان سازی حقوق و اجرانشدن طرح طبقه بندی مشاغل و شرایط سخت کاری

روز سه شنبه 27 تیر، کارگران کارخانه فولاد هفت تپه برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به سطح پایین حقوق منجمله عدم همسان سازی حقوق و تبعیض حقوق پرداختی در بخش های مختلف کارخانه و اجرانشدن طرح طبقه بندی مشاغل و شرایط سخت کاری دست از کارکشیدند و در این مجمع واقع در شهرک صنعتی شهرستان شوش تجمع کردند.



#### \*تصویری از کار در جهنمی به اسم عسلویه

(متن زیر نوشته ای است که برای ما\* ارسال شده است)

در خبر روز یکشنبه ۲۵ تیر گفته شده که بر اساس داده های سازمان هواشناسی ملی آمریکا، شاخص گرما (میزان شرجی هوا) در فرودگاه بین‌المللی خلیج فارس در عسلویه در جنوب ایران روز یکشنبه به ۱۵۲ درجه فارنهایت (۶۶.۷ درجه سانتی‌گراد) رسید .

با این خبر به سراغ جهنمی به اسم عسلویه که در آن هزاران کارگر نفت به کار اشتغال دارند برویم .

به عنوان کارگری که سالهای بسیار در این جهنم کار کرده ام میخواهم از کار در چنین جهنمی آنهم در این گرمای کشنده که فقط و فقط قابل مقایسه با کار بردگان است به شما بدهم.

گرمی هوا در عسلویه امان کارگران را می‌برد.

بنا بر قانون اگر دمای هوا بالاتر از ۵۰ درجه باشد پتروشیمی‌ها باید آن روز را تعطیل کنند، اما عملاً هواشناسی در همیاری با پیمانکاران و پتروشیمی‌ها اخبار کاذب میدهد و به‌طور مثال دمای هوا را ۴۹ درجه اعلام می‌کنند. در صورتی‌که بارها اتفاق افتاده که خودروی کارگران دمای هوا را بالای ۵۰ درجه نشان داده است .

شاید هیچ‌گاه نبینید که یک پتروشیمی بابت گرمای هوا کار کردن را تعطیل کند .

وقتی گرمای بالای ۵۰ درجه و رطوبت با آلودگی هوا ترکیب می‌شود تاثیر سخت‌تری بر سلامت کارگران می‌گذارد .

از جمله در بسیاری از روزها وقتی ۶ صبح سوار مینی‌بوس‌ها می‌شدیم که به محل کار برویم، شدت آلودگی آنچنان زیاد بود که حتی ده بیست متری خود را هم نمی‌دیدیم، حال با وجود این گرما و رطوبت و آلودگی، کار ما با رنگ‌های پلی اورتان بود که به‌شدت سمی و خطرناک است، در نتیجه شرایط کاری برای ما کارگران به‌حدی سخت می‌شد که در بسیاری از روزها چند نفر از کارگران بیهوش می‌شدند و این بیهوشی‌ها می‌توانست منجر به خطرات جسمی و جانی برای کارگران شود.

ما کلمن‌های یخی داشتیم و وقتی کارگری از هوش می‌رفت روی صورتش آب می‌ریختیم تا به هوش بیاید. این اتفاق بارها نیز برای خود من افتاد. کلمن‌های یخ باید از صبح نزدیک ما می‌بود، اما گاهی یخ برایمان نمی‌آوردند یا دیر می‌رسید .

با وجود همه این مصائب و خطرات کار را تعطیل نمی‌کردند و ما ناگزیر به ادامه کار بودیم. چرا که اختیار ما توسط مزد آخر برج تصاحب شده بود .

بعد هم بدن‌بال کار فشرده و سخنت در چنین شرایطی تازه وقتی به کمپ‌ها بر میگشتیم باید مشغول شستن تانکرها می‌شدیم چون مدام جلیک می‌بستند .

و اما چند کلامی هم از شرایط بهداشتی کمپ‌ها بگویم :

در بسیاری از کمپ‌ها برای ۱۰۰ نفر، دو دستشویی و دو حمام بیشتر وجود ندارد و ممکن بود کارگران تا ساعت ۱۲ شب در صف حمام منتظر بایستند .

از طرفی در کمپ‌ها ممکن است در یک اتاق ۱۰ متری ۹ کارگر بدون هیچ امکاناتی جز یک موکت و کولر گازی، کنار هم بخوابند حال تصور کنید در دوران کرونا شرایط چطور بوده است. بسیاری از کارگران به شوخی می‌گفتند، مرکز اصلی شیوع کرونا در جهان عسلویه است از طرف دیگر هیچ‌گونه ماسک، الکل و وسایل بهداشتی برای ما کارگران که غالباً از بخش پیمانی بودیم وجود نداشت به هر کمپی هم که سرمیزدیم شاهد این بودیم که چند نفر در بدترین وضعیت بیماری کرونا قرار دارند .

خیلی از کارگران در زمان کرونا دچار مشکلات ریوی شدند و آلودگی هوای عسلویه وضعیت آنها را وخیمتر کرد.. آنوقت توجه داشته باشید که در تمام عسلویه تنها یک بیمارستان وجود دارد و آمار مرگ و میرها نیز در عسلویه هیچوقت بهطور دقیق اعلام نشد و جزو اسرار مگو است.

هر کارگری پیش از اینکه وارد کار در یکی از پتروشیمی ها شود ابتدا به مراکز بهداشتی می‌رود، من نیز آخرین باری که برای نقاشی لوله‌های زیردریایی و ساختمان‌ها به عسلویه رفتم در این مراکز بهداشتی آزمایش‌های سلامت را دادم و از لحاظ جسمی سالم بودم. پس از اینکه اخراج شدم بیماری‌هایم شروع شد. نه تنها من، بلکه بسیاری از همکارانم دچار مشکلات کبدی و کلیوی شدند .

در کنار سختی‌هایی که من به‌عنوان کارگر در عسلویه کشیدم، دیدن رنج کارگران و ساکنان عسلویه رنج مرا دوچندان میکرد.

زمانی که به شهر می‌آیی، سالمندان و کودکانی را می‌بینی که به‌خاطر اینکه گاز شهری وجود ندارد، در آن هوای آلوده و گرم کپسول‌ها را کشان‌کشان می‌آورند و بر سکوه‌های گازی می‌نشینند تا آن را پر کنند نه تنها گاز، بلکه آب تصفیه‌شده مناسبی هم در شبکه شهری وجود ندارد. خیلی از کارگران و مهندسان می‌دانند که یکسال بیشتر در این مناطق کار نمی‌کنند و بالاخره به شهرهای خودشان برمی‌گردند اما مردمی در آنجا متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و در چنین شرایطی، زندگی سخت خود را می‌گذرانند.

اما اشاره ای هم به اعتراضاتمان داشته باشم

باید بگویم مطالبات، اعتراضات و اعتصابات ما با فراز و نشیب‌هایی در این مناطق صنعتی همراه است.

کاهش ساعات کاری، پرداخت دستمزدهای معوقه، افزایش دستمزدها مطابق ارقام درخواستی که داشتیم، افزایش روزهای مرخصی، تامین وسایل حمل‌ونقل جایگزین، مسائل رفاهی و بهداشتی از جمله شرایط کمپ‌ها و... همواره از مسائلی بودند که ما کارگران برای آن مطالبه‌گری میکردیم و در بسیاری از موارد پاسخ کارگران با تهدید و اخراج داده میشد.

این مطالبات انباشت‌شده، برای سال‌های متمادی سرکوب شده و بی‌پاسخ ماندند اما در چند سال اخیر مبارزات کارگران در عسلویه و در کل در نفت، همچون دیگر بخش های کارگری گسترده تر و با قدرت تر جلو رفته است .

در این مبارزات کارگران با خواستهای روشنتری به میدان آمده و یک دستاورد ما شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بوده است و همواره بر اعتراضات ما روشنایی بخشیده و راهکارهایش متحده کننده صف اعتراضات کارگران بوده است .

از جمله آگاهی بسیاری از کارگران و فعالان کارگری امروز به سطحی رسیده است که نه تنها تلاش می‌کنند با اتحاد و همبستگی بر مطالبات پیشین خود پافشاری کرده و مصر هستند که به خواسته‌های خود برسند، بلکه تلاش می‌کنند با آگاسازی هرچه بیشتر مطالبات محیط‌زیستی را به اولویت‌های خود اضافه کنند، چراکه می‌دانند با وجود این شرایط خود قربانی تخریب محیط‌زیست خواهند شد. از جمله

تعطیلی کار در روزهای سوزان و خطرناک تابستان و کاهش ساعت کار در ایام تابستان که هوا گرم است، تجهیزات سرمایشی مناسب برای کمپ و آب سالم و یخ در دسترس کارگران، ایمن شدن محیط های کار در سطح قابل قبول، بهبود وضع بهداشتی کمپها و کاهش نفرت ساکن در هر اطاق و ایجاد حمام و دستشویی به میزان کافی در تمام کمپ ها، مجهز شدن کمپ ها و محیط های کار به دستگاہهای تهویه هوا همه از جمله خواستهای معیشتی و محیط کاری کارگران در مراکز نفتی است. این خواستها همراه با خواستهای معیشتی بر سر مزد و افزایش روزهای استراحت مجموعه موضوعات اعتراضات کارگران نفت در این چند سال بوده است. اکنون نیز کارگران در تدارک برپایی اعتراضات گسترده بر سر همین خواستها و علیه شرایط برده وار کاری هستند .

پیشبرد و تحقق این خواستها ضربه ای بر پیمانکاران مفتخور و عقب زدن آنهاست .

بساط پیمانکاران باید از تمامی محیط های کاری برچیده شود .

این خواست همه کارگران در نفت و در سطح سراسری است.

\*کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

**\*ادامه اعتراضات متقاضیان مسکن تعاونی خبازان ساوه نسبت به بلاتکلیفی با تجمع خانوادگی درمحل احداث پروژه**

برپایه فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی، روز شنبه 31 تیر، جمعی از متقاضیان مسکن خبازان ساوه برای انعکاس هرچه بیشتر صدای اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی دست به تجمع خانوادگی درمحل احداث پروژه زدند.

**در همین رابطه: تجمع اعتراضی متقاضیان مسکن تعاونی خبازان ساوه نسبت به بلاتکلیفی مقابل شهرداری ساوه و در دفتر شورای شهر**

روز چهارشنبه 7 تیر، جمعی از متقاضیان مسکن تعاونی خبازان ساوه برای اعتراض به بلاتکلیفی مقابل شهرداری ساوه در دفتر شورای شهر تجمع کردند.



یکی از تجمع کنندگان به خبرنگار رسانه ای گفت: با وجود پرداخت هزینه های قانونی، شهرداری از دو سال گذشته، نسبت به صدور پروانه ساختمانی کوتاهی می کند.

وی افزود: از سویی شهردار ساوه معتقد است که زمین دارای کاربری فضای سبز بوده و نیازمند تغییر کاربری در کمیسیون‌های استانی و در نهایت اقامه زمین به مالک اولیه بوده و مدیرعامل تعاونی با علم بر این موضوع نباید، مردم را معطل می‌کرد.

خاطر نشان می‌شود که این تعاونی 500 نفر عضو دارد که امروز حدود نیمی از اعضا در مقابل شهرداری ساوه تجمع و خواستار تعیین تکلیف موضوع شده بودند.

### **\*اعتراض رسمی انجمن های روانشناسی و روانپزشکی به محسنی اژه ای**

نامه چهار انجمن علمی به اژه‌ای: سوء استفاده از روانپزشکی و روانشناسی توسط قضات را متوقف کنید

تشخیص اختلالات روانی در صلاحیت روانپزشک است نه قاضی؛ همانگونه که تشخیص سایر بیماری ها در صلاحیت پزشکان است نه قضات

سوء استفاده از روانپزشکی/ روانشناسی تاریخی طولانی و تأسف بار دارد

برچسب زدن بر برده های نافرمان با تشخیص روانپزشکی در ایالات متحده آمریکا و حبس طویل المدت مخالفان در بیمارستانهای روانی شوروی تنها دو نمونه از موارد سوء استفاده از روانپزشکی/ روانشناسی در تاریخ بشر است

دکتر مجید صادقی رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران

دکتر احمد علی نوربالا رئیس انجمن علمی پزشکی روان تنی ایران

دکتر بهروز دولتشاهی رئیس انجمن علمی رواندرمانی ایران

دکتر حمیدرضا پورشریفی رئیس انجمن روانشناسی ایران

### **\*درد مشترک، درمان مشترک!**

در پشتیبانی از خواست آزادی معلمان دربند و دیگر زندانیان سیاسی و عقیدتی و ضرورت عمل مشترک نیروهای پیشرو برای مبارزات آینده!

به درستی گفته شده که درد مشترک به صورت جداگانه و فردی درمان نمی‌شود. براساس چنین درکی، راه علاج دردهای مشترک یا دردهای اجتماعی کارگران شاغل و بیکار، معلمان، بازنشستگان، زنان زحمتکش و آزادیخواه، دانشجویان و جوانان و روشنفکران مردمی، چیزی جز مبارزه مشترک برای تحقق خواست های مشترک و مطالبات برحق هر بخش از این توده عظیم چندین میلیونی نیست. این خواست ها اساساً در زمینه های اقتصادی- اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نمودار می‌شوند.

خواست های اقتصادی بخش هائی که بر شمرديم، اساساً خواست های کارگران و مزدبگیران و یا لایه های نزدیک به آنها یعنی به طور کلی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا در مقابل استثمار، دزدی،

فساد و اجحافات سرمایه داران و زمینداران و دولت سرکوبگر و واپسگرایی حاکم است که مدافع استثمارگران و خود یکی از بزرگترین استثمارگران کشور است.

خواست های سیاسی بخش هایی که بر شمریم، بخش هایی که اکثریت مطلق و عظیم ۹۵ درصدی یا بالاتر جمعیت کشور را تشکیل می دهند، در یک کلمه عبارت است از تعیین سرنوشت در تمامی ابعاد زندگی توسط خود ما که به مفهوم تصمیم گیری در تمام امور سیاسی، اداری و نظامی کشور توسط نمایندگان واقعی همین اکثریت ۹۵ درصدی و نظارت مستقیم آنها و نه تصمیم گیری توسط روحانیان حاکم و صاحب منصبان لشکری، امنیتی و کشوری و نه کارگزاران سرمایه داران و زمینداران بزرگ. آنچه اساس خواست سیاسی این اکثریت ۹۵ درصدی را تشکیل می دهد تصمیم گیری بر اساس قوانین و مقرراتی است که نمایندگان مستقیم اکثریت عظیم مردم یعنی کارگران و زحمتکشان شهر و روستا آزادانه وضع می کنند و نه قوانین مقرراتی که از اعماق تیره و تاریک گورستان های تاریخ سر درآورده اند و یا توسط برج عاج نشینان جدید سرهم بندی شده اند و با تکیه بر زور برهنه، عوامفریبی و دروغ، خرافات و تبلیغات از رسانه های جمعی و مسجد و منبر و هیأت های عزاداری و نکبت بر میلیون ها مرد و زن، جوان و پیر، روشنفکر و دانشجو، کارگر و دهقان تحمیل می شوند. همین تحمیل با وقاحت و خشونت بیشتر و با تکیه بر چماق و گلوله و قتل و شکنجه و اعدام، در زمینه های فرهنگی نیز صورت می گیرد.

مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدنی و همه زنان و مردانی که به جرم فعالیت در سازمان های حرفه ای و سندیکائی دستگیر، شکنجه و به حبس های طولانی محکوم شده اند و یا در سیاهچال ها به صورت بلا تکلیف به سر می برند، یکی از عرصه های مهم مبارزه است و به همین جهت مبارزه برای آزادی معلمان زندانی از اهمیت ویژه ای برخوردار و شایسته پشتیبانی کامل و بی دریغ است.

ما ضمن حمایت از مبارزه برای آزادی معلمان در بند، بر نکات زیر تأکید می ورزیم:

۱- ضرورت حمایت همگانی از خواست های مشترک و عام و یا پشتیبانی از خواست ویژه برحق هر بخش از کارگران، معلمان، زنان، دانشجویان و روشنفکران، دهقانان و دیگر تهیدستان شهر و روستا.

۲- ایجاد ارگان های عمل مشترک از طریق همکاری تشکل های کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان دانش آموزان و غیره و ضرورت حمایت عملی و مستقیم و نه نمادین یا نیابتی از حرکات و اقداماتی که توسط این ارگان ها تصمیم گیری می شود.

۳- با توجه به مجموع اوضاع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، تصمیمات حاکمان بر افزایش فشار و اصرار بر سیاست های ارتجاعی شان، برآورده نشدن خواست های کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، دانشجویان، روشنفکران و جوانان به طور کلی و با نزدیکی به سالگرد قتل فجیع مهسا در بازداشتگاه گشت ارشاد، می توانیم زمینه های شکل گیری اعتراضات جدید در عرصه های مختلف اجتماعی در ماه های آینده را حدس بزنیم. این امر ضرورت هماهنگی و همکاری بین نیروهای پیشرو بخش های مختلف را دو چندان می کند.

۴- نکته مهم دیگر شکل و مضمون مبارزات آینده، علاوه بر همکاری و اتحاد نیروها(ی پیشرو اجتماعی)، بررسی چگونگی پیشبرد آنهاست. هرچند تمام اشکال مبارزه می توانند در شرایط و زمان های مختلف مفید باشند اما درس گیری از تجارب گذشته و نیز از سرسختی و پافشاری ارتجاعی نیروهای حاکم بر سیاست های ضد کارگری و ضد دموکراتیک خود باعث می شود که نیروهای مبارز بیشتر در جهت نبرد مستقیم و صریح با سیاست های حاکم، بر اعتراضات سیاسی خیابانی و بر اعتصابات اقتصادی و نیز سیاسی سمتگیری کنند.

درست براساس چنین درک عمیقی است که در بسیاری از اعتراضات خیابانی کارگران و بازنشستگان شعار «فقط کف خیابون به دست میاد حقمون!» سر داده می شود.

پیش بسوی مبارزه متحد برای آزادی معلمان دربند و همه زندانیان سیاسی و عقیدتی!

مستحکم باد مبارزه مشترک کارگران، معلمان، زنان، بازنشستگان، دانشجویان و روشنفکران!

۳۱ تیرماه ۱۴۰۲

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

گروه اتحاد بازنشستگان

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارگران بازنشسته خوزستان

**\*تداوم فشار علیه فعالین صنفی معلمان**

در ادامه ی تداوم فشار بر فعالان صنفی پرونده ی جدیدی برای #عاتکه\_رجبی، در شعبه دوم دادیاری داسرای عمومی و انقلاب شهرستان #تایباد، با اتهامی مبنی بر "حضور زنان در معابر و انظار عمومی بدون حجاب" تشکیل شده است .

عاتکه رجبی، معلم معترضی است که در اعتراض به زیرپا گذاشته شدن حقوق دانش آموزان خود، از دوم مهرماه اعتصاب کرد و سپس اخراج و در روز ۱۹ اردیبهشت، پیرو فراخوان شورای هماهنگی در تجمع اعتراضی مقابل آموزش و پرورش مشهد دستگیر شد و با تودیع وثیقه ی یک میلیارد و پانصد هزار تومانی تا زمان دادگاهی آزاد شده است .

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن ابراز ناخرسندی از صدور احکام ناعادلانه ی بر علیه فعالان صنفی، این برخوردهای را محکوم و در برابر آن سکوت نخواهد کرد. این شورا انتظار دارد پرونده های همه ی معلمان در دادگاه های قانونی بدون اعمال نظرهای ناصواب و با رویه ی صحیح قضایی مورد بازبینی قرار گیرد.

**\*از آموزگارم صمد آموختم "راه که بیفتم ترسم می ریزد".**

عاتکه رجبی



پنجشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه پیامکی با محتوای "خانم عاتکه رجبی پرونده شما به شعبه یک تجدیدنظر مشهد ارجاع شد." برایم ارسال شد؛ واژه «تجدیدنظر» ذهنم را درگیر می‌کند که کی و چگونه پرونده‌ای که از آن مطلع نشده‌ام به مرحله تجدیدنظر رسیده است!

سریع وارد سامانه ثنا می‌شوم هیچ ابلاغیه‌ای نیست. در قسمت اطلاع‌رسانی پرونده، شماره پرونده را وارد می‌کنم و متوجه می‌شوم پرونده‌ای جدید با اتهام "حضور زنان در معابر و انظار عمومی بدون حجاب شرعی"، که از آن آگاه نبودم، در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ماه، همزمان با دورانی که در بازداشت بسر می‌بردم! تشکیل شده است؛ و اما چرا در دادگاه شهرستان تایباد!!!

آخرین بار که در تایباد حضور داشتم ۶ مرداد سال ۱۴۰۱ بود قبل از اینکه هرگونه فعل اعتراضی انجام دهم. پس چطور است که اردیبهشت سال ۱۴۰۲ در روزی که در زندان بوده‌ام در تایباد شاکی پیدا کرده‌ام! در حالیکه مدت زیادی ست نه در تایباد حضور داشته‌ام، نه محل سکونتم آنجاست، نه فعلی اعتراضی در تایباد انجام داده‌ام و نه آنجا دستگیر شده‌ام!

مادرم به نمایندگی از من همراه با وکالت‌نامه به شعبه یک تجدیدنظر مشهد مراجعه می‌کند و در خصوص این پرونده چنین پاسخی دریافت می‌کند: "لازم نیست بداند اگر لازم شود ابلاغ می‌کنیم." و مدام با تندخویی و تلاش ناموفق برای تحقیر مراجع، رو به مادرم که هفتاد سالش است می‌گویند "درست و ایستا!"

می‌دانم که مادر هفتاد ساله‌ام که سی سالش را آموزگار بوده است؛ همچون سایر آموزگاران، دانش‌آموزانی کوشا و متعهد به اخلاق تربیت کرده است. اما نمی‌دانم ایشان کجا آموخته‌اند دور از چارچوب‌های کاری‌شان که حتی دور از ادب رفتار کنند و رو به مادری هفتاد ساله بگویند "درست و ایستا!"

کاش توضیح دهند درست ایستادن مادری هفتاد ساله چگونه است؟؟؟

و مهم اینکه آگاه بودن به پرونده‌ای که برای من باز شده است، حق من است؛ و لازم است در جریان پرونده قرار بگیرم

در ادامه پیگیری‌هایم در خصوص این پرونده، شخصی با این ادعا که آگاه بر جریانات پرونده‌ام است مرا هشدار می‌دهد "سکوت کن وگرنه این‌بار حذف خواهی شد و آب از آب نخواهد جنبید. عزیزترین چیزت چیست؟ قطعا جانت. گرفته خواهد شد."

می‌خواهم در پاسخ به شما بگویم بسیار عالی‌ست اینگونه زندگی معلمانی معترض را زیر تیغ برده‌اید که خود بهتر می‌دانید "این آموزگاران، انسان‌هایی شریف و نوع‌دوست هستند و هیچ تهدید و خطری برای هیچ موجودی نیستند و تنها دغدغه‌شان حقوق دانش‌آموزان‌شان است." از طرفی توجهی به دزدان و قاتلان ندارید!!!

جنابان، نه فقط به عنوان یک معلم که به عنوان یک شهروند، من حق دارم به جنایات و فجایع و فقری که ایجاد کرده‌اید معترض باشم. به جای شنیدن صدای اعتراضم و پاسخ به آن، شیوه حذف مرا پیش می‌گیرید!! باید بگویم‌تان بهتر است بیاندیشید چه کسی را به خیال خام‌خود و به جای شنیدن "حذف

خواهید کرد؟! عاتکه‌ای که از حذف فرزند کمانگر آموزگاری آگاه به حقیقت زندگی، خلق شده است؟ عاتکه‌ای که از صدها دانش آموز و معلم آگاه آزادیخواه قبل از خود تکثیر یافته و به هزاران نیکا و سارینا و کومار و محمد اقبال و آرتین و نیما و ستاره تاجیک دیگر تکثیر خواهد شد؟ حذف عاتکه، دیگری را خلق خواهد کرد. بدانید که راه چاره‌تان حذف نیست! ما جوانه زده‌ایم و پیروزی را رویت خواهیم کرد حتی اگر در کاسه‌ی چشمانمان گیاه روئیده باشد.

### **\*سرکوب تشکل‌های دانشجویی**

سرکوب تشکل‌های دانشجویی در بسیاری از دانشگاه‌ها از سابقه طولانی‌ای برخوردار است. اینبار در دانشگاه علم و صنعت که ید طولایی در سرکوب هر نوع فعالیت دانشجویی دارد، انجمن اسلامی رویش به مدت ۵ ماه تعلیق شده و از هرگونه فعالیت منع شد.

این حکم در پی انتشار بیانیه‌ی اخیر این تشکل در اعتراض به فضای سرکوب و ارباب ایجاد شده در دانشگاه، صادر شده‌است. همچنین اتهام وارده به این تشکل از سمت حراست دانشگاه، «ایراد تهمت، افتراء، اهانت و نشر اکاذیب» بوده‌است.

از جمله سرکوب‌های صورت گرفته، می‌توان به ممانعت از تشکیل شورای صنفی به مدت چهار سال در این دانشگاه اشاره کرد. نهادی که فقدان آن در بلندمدت به ضرر همه دانشگاهیان تمام خواهد شد.

### **\*سنگ‌اندازی در تشکیل شوراهای صنفی**

#### **[گزارشی از مانع‌تراشی‌ها در روند برگزاری انتخابات شورای صنفی دانشگاه چمران اهواز]**

در دانشگاه چمران اهواز سالهاست که از تشکیل شورای صنفی جلوگیری شده‌است. در نیمسال گذشته نیز با انواع و اقسام مداخلات در برگزاری انتخابات، مجدداً شورای صنفی تشکیل نشد.

در ابتداء، زمان برگزاری انتخابات تماماً به گونه‌ای انتخاب شد که با امتحانات تداخل داشته باشد. بازه ثبت نام از ۱۶ تا ۱۸ اردیبهشت بود که هیچگونه اطلاع‌رسانی قبل و بعد این تاریخ‌ها انجام نشد. انتخابات نیز ۳۰ اردیبهشت بود که به دلیل آغاز امتحانات و فرجه‌ها، تاریخ مناسبی برای برگزاری انتخابات در دانشگاه نبود. نهایتاً پوسترهای اطلاع‌رسانی، به دو پوستر که به سختی دیده می‌شد، محدود شدند. این مسئله باعث شد تا بسیاری از دانشجویان، علی‌الخصوص ورودی‌های جدید که از روند ثبت‌نام و انتخابات اطلاع کافی ندارند، متوجه این مسئله نشوند.

پر واضح است که عدم تبلیغات و انتخاب‌نکردن زمان مناسب برای رای‌گیری، یکی از مشخصه‌های بارز جلوگیری عمدی از تشکیل شورای صنفی است.

پس از پایان یافتن بازه‌ی ثبت‌نام کاندیداها، در روز انتخابات، سامانه رای‌گیری بدون هیچگونه اطلاع قبلی بسته شد. پس از پیگیری‌های صورت‌گرفته، دانشگاه اعلام کرد که تعداد داوطلبین به حد نصاب نرسیده و به همین دلیل امکان برگزاری انتخابات وجود ندارد.

همچنین بسیاری از دانشجویان واجد صلاحیت، رد صلاحیت شدند. پیش‌تر نیز این رد صلاحیت‌های غیرقانونی و سلیقه‌ای را در بسیاری از دانشگاه‌ها دیده‌بودیم.

لازم به ذکر است که بدلیل عدم تشکیل شورای صنفی از سال ۹۷، اکثر ورودی‌های جدید اطلاعی از حقوق خود و همچنین امکان وجود نهاد شورای صنفی، ندارند. تداوم این سنگ‌اندازی‌ها از طرف دانشگاه و معاونت دانشجویی در سال‌های اخیر، باعث شده تا بدنه‌ی دانشجویی از حقوق خود آگاهی نیابند. جلوگیری از تشکیل شوراهای صنفی یکی از شیوه‌های سرکوب است که در سال‌های اخیر بکار گرفته شده‌است.

### **\*آمادگی دانشگاه برای میزبانی از نیروهای حشدالشعبی؟**

بر اساس اطلاعیه دانشگاه، دانشجویان بین‌الملل ساکن ساختمان‌های ۱۷، ۱۸ و ۱۹ باید از روز یکشنبه ۱ مرداد، خوابگاه‌های خود را تخلیه کرده و به ساختمان رمضان منتقل شوند. گمان می‌رود تخلیه این خوابگاه‌ها به منظور اسکان دانشجویان خارجی‌ای است که به تازگی جذب شده‌اند.

گفتنی است خوابگاه رمضان یکی از بهترین ساختمان‌های کوی دانشگاه است که پیش از این به ورودی‌های ارشد اختصاص داده می‌شد.

همچنین سرنوشت خوابگاه عمید نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در حین اعتراضات سال گذشته، مسئولین دانشگاه بارها اذعان کردند که دیگر این خوابگاه را به دانشجویان کارشناسی اختصاص نخواهند داد.

در حال حاضر این خوابگاه تخلیه شده و معلوم نیست که در نیمسال آینده به چه کسانی اختصاص داده می‌شود.

مدتهاست که در کوی دانشگاه تهران، سیاست‌های سرکوب دانشجویان دنبال می‌شود چنانکه سالهاست دانشجویان کارشناسی، علی‌رغم ناکافی بودن ساختمان‌های سطح شهر، در کوی دانشگاه اسکان نمی‌یابند. حال چنانچه این گمانه‌زنی‌ها حقیقت داشته باشند، به این معنا خواهد بود که بار دیگر و در تداوم رویه سرکوب، دانشجویان حق‌طلب و دغدغه‌مند دانشگاه از فضایی دیگر محروم می‌شوند تا بجای آنان، دانشجویان گزینش‌شده‌ای اسکان داده شوند که بنا به شکل گزینششان، همواره بله قربان‌گوی مدیران خواهند بود.

مسئله اصلی به هیچ‌وجه «دانشجوی خارجی» نیست بلکه مشکل هر نوع «گزینشی» است که بر اساس معیارهای ایدئولوژیکی صورت می‌گیرد و با معیارهای عام علمی در تضاد است.

### **\*جان باختن یک کارگر مقنی در مشهد بر اثر گاز گرفتگی**

یک کارگر 40 ساله حین کار حفر چاه در حاشیه کلانشهر مشهد دچار گاز گرفتگی شد و جان خود را از دست داد.

### **\*جان باختن یک کارگر در قم سقوط از ارتفاع**

روز پنجشنبه 29 تیر، یک کارگر بنام ایوب حسینی حین کار با دستگاه بالابر در یکی از ساختمان‌های در حال ساخت واقع در شهرک قدس قم بدنبال سقوط از ارتفاع طبقه چهارم و برخورد با کف زمین در دم جان باخت.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)